

دانشگاه فرهنگیان

فصل نامه علمی-ترویجی آموزش پژوهی

سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۷

رویکرد آینده پژوهی و نقش و اهداف آن در برنامه درسی تعلیم و تربیت نوین

رضا خلیفه^۱، مصطفی خلیفه^۲

پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۳

دریافت: ۹۷/۱۰/۳

چکیده

هدف از مقاله حاضر، معرفی رویکرد آینده پژوهی در برنامه درسی و اهداف و نقش آن برای مدیران و معلمان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت می باشد. به دلیل سیاست گذاری و برنامه ریزی های آینده نگرانه در آموزش و پرورش، آینده پژوهی با در نظر گرفتن ابعاد مختلف تربیت و همچنین پیش بینی هوشمندانه مسائل و چالش ها و تهدیدات پیش رو، امری ضروری است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و از مطالعات و تحقیقات پیشین صاحب نظران و پژوهشگران در آن استفاده شده است و نگارندگان توانسته اند به نظرات و مطالب جدیدتری دست یابند که نتایج به دست آمده عبارتند از: آینده پژوهی رویکردی است که در برنامه ریزی درسی تعلیم و تربیت نوین لازم و ضروری می باشد و باید نگرش معلمان، مدیران و حتی دانش آموزان در دوره های تحصیلی و والدین نسبت به تحولات در آینده عوض شود؛ برنامه درسی و مطالب را طوری تدوین نمایند که دانش آموزان با تفکر خلاق به بار آیند و پیش بینی های لازم را برای تغییر در آینده مهیا نمایند؛ پژوهش محورانه جهت رفع مشکلات آینده عمل نمایند و آینده پژوهی جزء لاینفک برنامه های اجرایی مدارس باشد.

کلید واژه ها: آینده پژوهی، برنامه درسی، تعلیم و تربیت.

۱. دبیر آموزش و پرورش شهرستان مرودشت، ایران، نویسنده مسؤول، reza.khalifeh9292@gmail.com

۲. دبیر آموزش و پرورش شهرستان مرودشت، ایران.

مقدمه

نظام آموزشی ما، از تصور ما نسبت به آینده مایه می‌گیرد. از این رو، اگر تصور ما از آینده جامعه با واقعیت موجود آن منطبق نباشد، نظام آموزشی آن جامعه سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. نظام‌های آموزشی بالنده از سرعت تغییرات و تحولاتی که جهان را دگرگون می‌کند به خوبی آگاهند. باید گفت آموزش و پرورش مشخص مسیر انسان‌ها به سوی توسعه و تعالی است و با توجه به این تغییرات و تحولات و بهره گرفتن منطقی از امکانات و انتخاب نزدیک‌ترین راه می‌توان این مسیر را به درستی تبیین نمود. توجه به آینده‌پژوهی و نگاه آینده‌نگرانه در سازمان‌های آموزشی آهنگ تحول و ماندگاری آنهاست. آینده بر ما می‌تازد، پس باید برای رویارویی با آن آماده بود و در زمانه پرآشوب و سرشار از تغییر و تحول، تنها با مسلح شدن به روش‌شناسی آینده است که آموزش و پرورش می‌تواند با بازبینی مقوله یادگیری، خونی تازه در رگ‌های خود جاری کند (تافلر، ۱۳۷۷). آموزش و پرورش ایران برای اصلاح ساختار خود با چالش‌هایی همچون به‌روز نبودن روش تدریس‌ها، کمبود اعتبارات و فضاهای آموزشی، دیوارکشی بین بعد پرورشی و بعد آموزشی، ضعف در فراهم کردن مدیریت آموزشی کارآمد و متخصص، ناتوانی در به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعات و روش‌های جدید و ... مواجه می‌باشد؛ بنابراین آینده‌نگری و آینده‌شناسی می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مختلف آموزش و پرورش به‌ویژه برنامه درسی برای مقابله با تهدیدات و نگرانی‌های تربیتی آینده پیشگیرانه عمل نماید، مشروط بر آن که مسؤولان با هوشمندی علمی و عاقلانه و در نظر گرفتن تمامی جوانب و نیازها دست به کار شوند و در رفع مسائل و مشکلات، گام مؤثر بردارند تا در آینده نه‌چندان دور بر مشکلات فائق شوند. امروزه مأموریت و تلاش عمده برنامه‌ریزی در کشورهای توسعه‌یافته، علاوه بر توجه جدی به چالش‌های کنونی و ارائه رهیافت‌هایی مقطعی، تفکر در خصوص چالش‌های آینده و نحوه مواجهه و قدرت‌یابی در آن عرصه‌هاست. برنامه‌ریزی هم‌اکنون با ارتقاء نقش خود به دنبال تسخیر آینده با اندیشه‌های ایفای نقش جدی و سهم‌خواهی در آن است (بنی‌سی، ۱۳۸۷).

متأسفانه امروزه در نظام آموزشی، به نظر می‌رسد که بسیاری از مدیران و معلمانی که مجریان اصلی برنامه درسی هستند با رویکرد آینده‌پژوهی بیگانه هستند و حتی از اهداف و مفاهیم آن اطلاعی ندارند تا چه رسد به این که بتوانند در اجرای آن عمل نمایند. این مقاله بر آن است که اهداف و نقش و اهمیت رویکرد جدید برنامه درسی آینده‌نگرانه را در دوره‌های تحصیلی آموزشی و پرورشی برای مدیران سطوح مختلف و معلمان معرفی نماید تا گام‌های موثرتری در جهت اجرای آن در نظام

آموزشی بردارند و بدانند که امروزه آینده‌نگری به یک نیاز اساسی و استراتژیک تبدیل شده است. در دنیای امروزی، سرعت غیرقابل مهار تحولات در عرصه‌های مختلف، پیش‌بینی آینده را به امری ضروری و در عین حال بسیار تخصصی و پیچیده تبدیل کرده و انسان چاره‌ای جز گمانه‌زنی جهت تحولات آینده و جستجوی راه‌های انطباق و سازگاری خود با آنها نخواهد داشت و در این راستا، ابزارهایی چون رسانه‌های جمعی و نهادهایی چون تعلیم و تربیت قدرت مواجهه و سازگاری انسان را با تغییرات پی در پی آینده افزایش می‌دهند.

آینده‌پژوهی در برنامه درسی تعلیم و تربیت می‌تواند در آمادگی و مجهز شدن دست اندرکاران به‌ویژه مدیران، معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان برای آینده، کسب نمای کلی از آینده‌های در حال ظهور، درک زود هنگام خطرات و هشدارها، کسب موفقیت و برتری در رقابت‌های جهانی و مهم‌تر از همه عوامل ذکر شده، سازگاری با تغییرات، کسب موقعیت در قلب روندها و مسیر تغییرات و کسب ایده درباره برنامه‌ریزی انواع سرمایه‌گذاری‌ها (اطلاعاتی، نیروی انسانی و تکنولوژی آموزشی و بودجه آموزشی) برای به دست آوردن منافع موجود و رسیدن به قابلیت‌های شایسته افراد یک جامعه در جهت یک زندگی سالم، یاری‌کننده باشد.

پیشینه تحقیق

مرادی و همکارانش (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «ضرورت آینده‌پژوهی در تغییر برنامه درسی آموزش و پرورش» نتیجه گرفته‌اند از آنجا که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می‌یابد، می‌بایست با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود تا برنامه درسی با غنای کامل و عملی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی پرشتاب آینده پاسخ دهد و آینده‌پژوهی در برنامه درسی با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک ضرورت است.

کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «آینده‌پژوهی و تغییر در برنامه درسی» نتیجه می‌گیرد که رابطه معناداری بین آینده‌پژوهی و تغییر در برنامه درسی وجود دارد و افزایش آگاهی معلمان و مدیران در برنامه درسی می‌تواند در نوآوری برنامه‌ها در آینده مؤثر افتد و پیشنهاد می‌کند معلمان با ثبت تجربه‌های به دست آمده در خصوص تغییر برنامه درسی و تأثیر آن بر دانش‌آموزان در آینده نزدیک برای بهبود وضعیت آموزشی برنامه درسی کمک گیرند.

صادق و همکارانش (۱۳۹۲) در مقاله «تغییر در برنامه‌های درسی بر مبنای آینده‌پژوهی» آینده‌پژوهی را در برنامه‌ی درسی ضروری تلقی می‌کنند و تغییرات اصولی بر اساس تصویر کلی از آینده را در برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش لازم می‌دانند.

قره‌خانی و معصومیان (۱۳۹۲) در مقاله «آینده‌پژوهی راهبردی برای توسعه برنامه‌ی درسی» نتیجه گرفتند که ساختار موجود برنامه‌ی درسی دوره ابتدایی در ایران با برنامه‌های درسی سایر نظام‌های آموزشی مطابقت ندارد و باید با دانش آینده‌پژوهی و آینده‌نگری، تغییرات اساسی در جهت توسعه برنامه‌ی درسی دوره ابتدایی صورت گیرد.

سراج (۲۰۰۷) در تحقیقات خود آینده‌پژوهی را در توسعه برنامه‌های درسی و سیاست‌های آموزشی کشورها مهم و حیاتی تلقی می‌کند و آن را چارچوبی برای تدوین برنامه‌های درسی و برنامه‌های راهبردی می‌داند.

سلطانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «جهت‌گیری‌های دورنگر در برنامه‌ی درسی» نشان داد که می‌توان درباره‌ی همه جنبه‌های مدرسه و برنامه‌های درسی آن، آینده‌نگری کرد. وی اذعان می‌دارد که در آینده آموزش و پرورش از چارچوب آموزش‌های رسمی و مدرسه‌ای به آموزش‌های غیررسمی و نیمه‌رسمی، آموزش در محیط زندگی و آموزش در طول عمر اشاعه می‌یابد، تغییرات بنیادی در زیربنای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه انجام می‌گیرد و در فضاهای آموزشی، در سطوح آموزش و پرورش و تکنیک‌های یادگیری، تغییرات اتفاق خواهد افتاد.

عراقیه و همکارانش (۱۳۹۷) در مقاله «تبیین آینده‌پژوهی در ارتقاء برنامه‌های درسی» نتیجه گرفته‌اند که پیوندی میان آینده‌پژوهی و برنامه‌ی درسی وجود دارد و لازمه آن قیام به عمل است و جایگاه آینده‌پژوهی در برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش باید مورد تحلیل قرار گیرد.

کشاورزی و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله «محتوای برنامه‌ی درسی مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی ایران» نتیجه گرفتند که چون آموزش عالی با عواملی مانند کاهش کیفیت آموزش و عدم تناسب با نیازها روبروست، در پاسخ به این چالش‌ها، برای ارتقاء کیفیت فرصت‌های یادگیری باید در محتوای برنامه‌های درسی آینده‌گیری نوینی را دنبال کند و مبتنی بر آینده‌پژوهی باشد.

کوپر (۲۰۰۵) در تحقیقات خود نشان می‌دهد که برنامه‌ی درسی موجود در دانشگاه‌ها ناتوان از مجهز نمودن دانشجویان به مهارت‌های مورد نیاز جهت زندگی و کار در دنیای آینده می‌باشد.

آنچه از نظرات و تحقیقات پیشین استنباط می‌شود آینده‌پژوهی را راهبرد اساسی در توسعه برنامه درسی می‌دانند و تغییرات جدی در آن بر مبنای آینده‌پژوهی را یک ضرورت تلقی می‌نمایند و توانسته‌اند نقش رویکرد آینده‌پژوهی را در برنامه‌های درسی تعلیم و تربیت نوین تفسیر و موشکافی نمایند.

روش مطالعه

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی از منابع گوناگون مانند کتاب‌ها، مقالات و مجلاتی که شامل نظر و دیدگاه‌های پژوهشگران و اساتید و صاحب‌نظران می‌باشند، تهیه شده و نگارندگان توانسته‌اند از دل اطلاعات و نظریه‌ها و تحقیقات پیشین، اطلاعات، نظرات و مطالب جدیدتری را استخراج نمایند.

یافته‌ها

۱- تعریف آینده‌پژوهی

دانشی معرفتی است که چشم مردم را نسبت به رویدادهای فرصت‌ها و مخاطبان احتمالی آینده، بازنگه می‌دارد (صادق و دیگران، ۱۳۹۲). آینده‌پژوهی در واقع دانش شکل بخشیدن به آینده، متناسب با امیال و آرمان‌های فردی و سازمانی است و همچنین مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن می‌پردازد (عراقیه و همکارانش، ۱۳۹۷). کار آینده‌پژوه این است که با اتکاء به توانایی‌های علمی و شهودی خود از بین گزینه‌های بسیار آینده، یکی را برگزیند و از طریق روش‌های علمی متفاوت که روز به روز بر تعداد و تنوع آنها افزوده می‌شود، یک آینده محتمل را تخمین بزند (همان). آینده‌پژوهی دانشی است که تلاش می‌کند با پیش‌بینی عوامل مؤثر در تحولات آینده با علم و آگاهی، مهارت‌های تغییرات را در دست گرفته و جامعه را برای تغییر و تحولات آماده کند (مؤسسه راهبرد ملی، ۱۳۹۶). آینده‌پژوهی، رشته‌ای است مستقل که به شکلی روشن و هدفمند به مطالعه آزاد می‌پردازد و تصاویری از آینده را در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال، بر اساس این تصاویر بتوانیم به صورت کارآمدتری تصمیم‌گیری نماییم (مرادی برزل‌آبادی، ۱۳۹۲). گرچه اتفاق نظری در خصوص مفهوم آینده‌پژوهی وجود ندارد، ولی برای آن معادل‌های مختلفی مانند آینده‌اندیشی، آینده‌شناسی، آینده‌نگاری و مطالعات آینده در زبان فارسی به وجود آمده است.

۲- اهداف آینده‌نگری (آینده‌پژوهی) در تعلیم و تربیت

اهداف آینده‌نگری (آینده‌پژوهی) در تعلیم و تربیت، بازنگری در هدف‌های تعلیم و تربیت و نحوه برنامه‌ریزی درسی در آینده خواهد بود. برای مثال، مشاغل و مسائل انسانی جدیدی در سطح جهانی مطرح خواهند شد که تعلیم و تربیت نیز با آنها همراهی خواهد کرد. برنامه درسی مدارس در آینده به‌طور وسیعی بر اساس بازبینی مداوم و انجام اصلاحاتی در محتوا تدوین خواهد شد. مثلاً بسیاری از شاگردان متوسطه، مشاغل میان‌پیشه‌ای خواهند داشت که هنوز به فکر کسی نرسیده است. تغییرات جمعیتی، ماشینی‌شدن، توسعه وسایل حمل و نقل، وابستگی مشاغل و مردم در سرتاسر جهان به هم، انقلاب بیولوژیکی و روابط انسانی متفاوت با آنچه اکنون موجود است، همه و همه جایگاه ویژه‌ای در برنامه درسی خواهند داشت. بطور کلی، یادگیری‌های لازم برای مواجهه با تغییرات آینده فراتر از یادگیری دانش‌محور در مدارس سنتی هستند. در پی یک دستور کار «کمسیون بین‌المللی آموزش در قرن بیست و یکم» یونسکو، چارچوب تحولات آموزشی برای محیط آینده را پیشنهاد کرد. این چارچوب بستر مناسبی برای بحث دربارهٔ برقراری ارتباط بین «فناوری اطلاعات و ارتباطات» و یادگیری است. ایده اصلی آن مبتنی بر چارچوبی برای یادگیری شامل چهار محور و رکن اساسی است: ۱- یادگیری برای یادگرفتن؛ ۲- یادگیری برای عمل کردن؛ ۳- یادگیری برای زندگی در کنار هم و با هم؛ ۴- یادگیری برای بودن. چهار محور یاد شده شکلی جدید و متفاوت را بین دانستن و دیگر انواع یادگیری برقرار می‌کنند. در آموزش‌های آینده، یادگیری ابعاد مختلفی از زندگی خارج از مدرسه را نیز در بر خواهد داشت. پاره‌ای از تغییرات دیگر در آینده برنامه درسی عبارتند از: تغییر نوع ارتباط با دانش‌آموز، تغییر نقش معلم به عنوان تسهیل‌کننده، مدیر و پشتیبان یادگیری، تغییر محتوا و فرصت‌های آموزشی، تغییر کانون و تمرکز کنترل از معلم به فراگیرنده (سلطانی، ۱۳۹۲).

هدف دیگر آینده‌پژوهی در تعلیم و تربیت کمک به جوانان امروز است تا با بحران‌هایی که با آنها مواجه خواهند شد کنار بیایند و از فرصت‌هایی که در یک دنیای متغیر به وجود خواهد آمد به نحو بهینه بهره‌برداری کنند. بوردین، برای حفظ مدارس در جریان زندگی، مریمان را به استفاده از آینده‌گرایی (طرح‌ریزی هوشمندانه و خیالی پدیده‌ها و شرایطی که در شرف وقوع است) تشویق می‌کند (سیلور و همکاران، ۱۳۸۰).

۳- ضرورت آینده‌پژوهی در برنامه درسی تعلیم و تربیت ایران

از منظر برنامه درسی، چالش‌هایی همچون ضعیف شدن سهم برنامه درسی رسمی در یادگیری و کم‌توجهی روزافزون به آن، برآورده نشدن نیازها و علایق دانش‌آموزان، تربیت یک بعدی (به جای دیدن تمام جوانب تربیتی)، عدم موفقیت دانش‌آموزان در اجتماع و بازار کار آینده و ناتوانی در حل مسائل، بحران هویت، چندفرهنگی و کم‌رنگ شدن فرهنگ بومی و ملی، پایین بودن سطح مشارکت در تدوین برنامه‌های درسی، انعطاف‌ناپذیری نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، به‌روز نبودن راهبردهای یاددهی-یادگیری، ضعف در اجرای صحیح برنامه‌های درسی، محوریت یادگیری حافظه‌محوری و موقتی، بی‌سواد بار آمدن دانش‌آموزان و مسائلی از این قبیل در پیش روی آموزش و پرورش دوره متوسطه خواهد بود و چون برنامه درسی بیشترین نقش را در نظام آموزشی و به نوعی در خط مشی‌دهی به کلاس درسی داشته و به نوعی به دیگر عناصر نظام آموزشی نیز جهت‌دهی می‌نماید، توجه به این مسائل در برنامه‌های آینده نظام آموزش متوسطه ضرورتی انکارناپذیر است (مظاهری، ۱۳۹۶).

عناصر تأثیرگذار در برنامه درسی از منظر آینده‌پژوهی (از نظر مظاهری، ۱۳۹۶):

۱- **جامعه و فرهنگ:** پدیده‌های جدیدی مانند چند فرهنگی، دوگانگی بین مدرسه و اجتماع، جهانی شدن، انحطاط اخلاقی، اشاعه دموکراسی، انفجار دانش و گسترش فناوری و اطلاعات و ارتباطات از عوامل تأثیرگذار فرهنگی محسوب می‌شوند. یکی از کلیدی‌ترین پدیده‌های مؤثر بر آینده تعلیم و تربیت، پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات است که از آن به عنوان پدیده تمدن‌ساز یاد شده است.

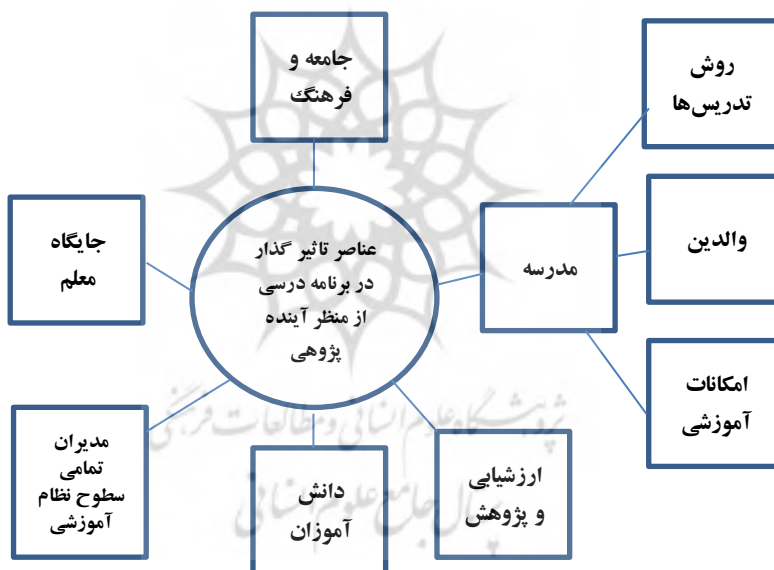
۲- **برنامه درسی:** برنامه درسی در نظام آموزشی، دیگر عناصر آموزشی را جهت می‌دهد و مسأله برنامه درسی را از بعد رقابتی در دنیا مطرح می‌کنند. مشکلی که در برنامه درسی مدرسه و دانشگاه وجود دارد مانند حجم زیاد مطالب درسی و فقدان در اختیار گذاشتن زمینه ارائه افق فکری به دانش‌آموزان و نداشتن محتوای غنی و روزآمد باعث شده نظام آموزشی نتواند با نظام‌های آموزشی دیگر کشورها رقابت کند.

۳- **مدرسه:** ضعف در آموزش‌های پایه عمومی و تفاوت دبیرستان و دبستان در تأثیرپذیری، نقش خانواده، هدایت تحصیلی، علائق و گرایش دانش‌آموزان، نیاز جامعه و ضعف در مهارت‌های ارتباطی فارغ‌التحصیلان، پدیده‌های فرار مغزها و اتلاف مغزها و فارغ‌التحصیلان کم‌سواد از جمله مسأله‌های اصلی مؤثر بر مدارس آینده و چالش‌های پیش روی آن‌هاست که در آموزش و پرورش دوره متوسطه بسیار تأثیرگذار خواهند بود.

۴- **جایگاه معلم:** نقش معلم در نظام آموزشی و ضرورت به‌روز بودن دانش او، ضرورت مشارکت معلم در برنامه‌ریزی درسی مناسب و هماهنگ با نیازهای دانش‌آموزان و واقعیت‌های اجرا، از مسأله‌های پیش روی این حوزه است.

۵- **ارزشیابی و پژوهش:** تمام مؤلفه‌های نظام آموزشی از جمله برنامه درسی، فرایند یاددهی-یادگیری و غیره با تحقیق ارتباط دارند و گاهی نتایج ارزشیابی، محصولی برای تدوین برنامه درسی خواهند شد. بنابراین طبق اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش، حوزه پژوهش و ارزشیابی باید مسأله‌ها، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی نظام تربیتی را شناسایی کند و جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بهتر و آینده‌نگرتر در اختیار متولیان حوزه‌های آموزش و پرورش قرار دهد.

۶- **یادگیرنده:** فاضلی (۱۳۹۰) با نگاهی آینده‌نگر معتقد است همان‌طور که ظهور فناوری‌های نوین مانند اینترنت، موبایل و ماهواره توانسته سرنوشت زندگی انسان را دگرگون کند، در آینده ممکن است ظهور فناوری‌های «مابعد نوین» همه چیز را برای چندمین بار زیر و رو کند و هر لحظه سرنوشت ما را متأثر سازد. بنابراین، برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه را می‌طلبد تا با بازنگری جدی در نظام آموزشی موجود برای برآورده نمودن نیازهای یادگیرندگان و جلب توجه و جذب آن‌ها، گام موثری را بردارند. چرا که نقطه هدف همه عوامل فعال در تعلیم و تربیت، یادگیرنده است؛ از طرفی یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای بودن و یادگیری برای با هم زیستن در دنیای امروز بسیار مهم است. بنابراین، آماده‌سازی و تربیت فراگیران به‌ویژه در دوره ابتدایی و دبیرستان برای ورود به زندگی آینده اهمیت وافری دارد. هدف‌های دیگر آینده‌نگری عبارتند از آماده بودن خود و دیگران برای آینده، کسب نمای کلی از آینده در حال ظهور، دریافت و درک زودهنگام هشدارها، کسب اعتماد به نفس، کسب موفقیت برتر در رقابت‌ها، ایجاد تعادل بین اهداف مختلف، کسب اطلاعات درباره نیروهای مؤثر و سازگاری با تغییرات (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵).



نتیجه‌گیری

جهان پیچیده امروز، آموزش و پرورش را طلب می‌کند که بتواند متناسب و منعطف با این پیچیدگی، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد، از آنجایی که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می‌یابد، می‌بایست با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود که برنامه درسی با غنای کامل و علمی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی‌های پرشتاب آینده پاسخ دهد. برای دستیابی به این هدف، باید قبل از اقدام به انجام کار، تلاش با برنامه‌ریزی کافی انجام بگیرد و ضرورت برنامه‌ریزی به‌ویژه در فعالیت‌های یاددهی-یادگیری برای رسیدن به جزئی‌ترین اهداف یک واقعتاً انکارناپذیر است (کازمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲).

شناخت و آگاهی نسبت به شرایط آینده‌تعلیم و تربیت، نیاز اساسی مدیران تمامی سطوح آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان و معلمان است که از طریق مطالعات آینده‌پژوهی پاسخ داده می‌شود. در برنامه درسی آموزش و پرورش، یک ضرورت قطعی است که برنامه‌ریزان و معلمان نگرش خلاقانه به آینده‌پژوهی داشته باشند که این رویکرد نوآورانه می‌تواند از دل تغییرات امروز، واقعیت‌های فردا را کشف نماید.

برنامه‌های درسی آینده‌محور با توجه به سند تحول بنیادین برنامه‌های درسی باید مبتنی بر اصول، مبانی و ارزش‌های اسلامی و دینی و یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی باشند و برنامه‌های منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط‌آفرین، پویا و انعطاف‌پذیر و مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات که به عنوان یک منبع راهبردی، نقش بسزایی در تحول و تعالی آموزش و پرورش دارند باید مد نظر قرار بگیرند. هدف آینده‌نگری در تعلیم و تربیت کمک به تعلیم و تربیت است تا بحران‌های احتمالی را پیش‌بینی کند و بر آن مبنای سعی شود طرح‌ریزی هوشمندانه‌تری در برنامه درسی انجام شود.

با توجه به یافته‌های صاحب‌نظران، اهداف زیر به برنامه‌ریزی درسی مدارس پیشنهاد می‌گردد: هدف اول، همگامی و پیوند دانش و تکنولوژی با آموزش و پرورش است. با توجه به ارتباط میان علم و تکنولوژی و آموزش و پرورش، به نظر می‌رسد که یکی از چالش‌های زمان حال و آینده، حفظ فاصله معقول و منطقی بین علم روز و آنچه در مدارس و مؤسسات آموزشی تدوین می‌شود، خواهد بود. هدف دوم، تعمیم و تسهیل تعلیم و تربیت به کمک فناوری اطلاعات است که می‌توان ارتباط دو جانبه را متصور شد. از یک طرف تکنولوژی اطلاعات به کمک روش‌ها و امکانات جدید می‌تواند مشکلات حال و آینده آموزش و پرورش را برطرف نماید و از طرف دیگر تعلیم و تربیت می‌تواند در آموزش و

انتقال مهارت‌های مورد نیاز و کاربرد تکنولوژی نقش بسزایی داشته باشد؛ مانند ایجاد مهارت تفکر خلاق و انتقادی و استفاده از فناوری اطلاعات در امر آموزش. هدف سوم، ایجاد بینش جهانی از طریق تعلیم و تربیت است. قرن ۲۱ تحولی شگرف از ناحیه فرایند جهانی شدن می‌آفریند و عصر جهانی شدن اثرات عمیقی بر الگوی ارتباطی مجامع خواهد گذاشت. در این دوران آن کشورهایی که خردمندانه به فرایند جهانی شدن توجه دارند، خواهند توانست با صلح و بهره‌وری از فرصت‌ها از طریق هم‌زیستی، جامعه بین‌المللی را برای خودشان تأمین کنند. بنابراین قرن ۲۱ باید بینش و بصیرتی داشته باشد که ضمن حفظ ارزش‌های محلی و ملی، ظرفیت امواج جهانی و تعامل با فرهنگ‌های گوناگون را داشته باشد. در این راستا، ایجاد بینش و نگرش جهانی در ذهن دانش‌آموز از طریق برنامه درسی اثربخش و کارآمد می‌تواند در دستور کار آموزش و پرورش باشد. هدف چهارم، آموزش و پرورش به مثابه یک نهاد فرهنگ‌ساز باید مقدمات اشاعه دموکراسی را از طریق اصلاح رابطه معلم و شاگرد در راه نیل به دموکراسی و توجه به مشارکت همگانی در فرایند تصمیم‌گیری، فراهم سازد. به کارگیری روش‌های گروهی و مشارکتی در امر آموزش دانش‌آموزان از دوره پیش‌دبستانی، دبستان و دبیرستان برای تحقق این هدف ضرورت دارد. هدف پنجم، برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت باید به رویکرد تفکر خلاق دانش‌آموزان توجه جدی داشته باشد که لازمه آن دوری از حافظه‌محوری و رفتن به سوی دانش‌آموزمحوری است. هدف ششم، انطباق و همسویی برنامه درسی با برنامه‌های غیردرسی (غیررسمی) است. توجه به مشارکت همگانی در فرایند تصمیم‌گیری‌های نظام آموزشی از مدیران وزارتی در سطح کلان و سطح میانی و مدیران در سطح خرد و معلمان و حتی مشارکت والدین که می‌توان آنها را جزوی از خانواده نظام آموزشی قلمداد نمود و همچنین عنایت به فعالیت‌ها و مراکز غیررسمی مانند کانون‌های فرهنگی و هنری، پژوهشکده‌ها و کتاب‌خانه‌ها می‌تواند دانش‌آموزان را تقویت نماید تا بتوانند برای تغییر و تحولات آموزشی و فکری در آینده‌نه‌چندان دور و برای حل مسأله و گذر از چالش‌های آینده، خود را محیا سازند.

پیشنهادها

- ۱- مطالعات آینده‌پژوهی باید نیازسنجی آموزش و تربیت جامعه را در نظر بگیرد.
- ۲- مطالعات آینده‌پژوهی می‌بایست با تأمین نیروی انسانی متخصص و متعهد در تعلیم و تربیت آینده کشور همگام باشد.

- ۳- مطالعات آینده‌پژوهی می‌بایست با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و تجارب حال، در سطح کلان به تعیین اهداف، سیاست‌ها پردازد و برای طرح‌ریزی برنامه درسی و آموزشی که وابسته به چشم‌انداز آینده باشد، اقدامات مؤثر و کارآمدی انجام دهد.
- ۴- فرصت‌ها و تهدیدهای آینده در برنامه درسی بایستی شناسایی شوند و در جهت بهبود برنامه درسی راهکارهایی انجام بگیرد.
- ۵- کلاس‌های ضمن خدمت جهت آشنایی با رویکرد آینده‌پژوهی و تأثیر آن در روش تدریس‌ها و اجرای برنامه‌ها باید برای تمامی فرهنگیان تشکیل شود.

منابع فارسی

- بنی‌سی، پری ناز. (۱۳۸۷). تغییر، نوآوری، اصلاحات و آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی. تهران: نشر امیر.
- تافلر، آلون. (۱۳۷۷). *آموختن برای فردا*. ترجمه بابک پاکزاد. تهران: نشر بینا.
- سلطانی، فاطمه. (۱۳۹۲). «جهت‌گیری‌های دورنگر در برنامه درسی». *مجله رشد تکنولوژی آموزشی*. دوره ۲۹، شماره ۷، صص ۲۶-۲۹.
- سیلور، جی گالن و همکاران. (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*. ترجمه خوی نژاد. تهران: سمت.
- عراقیه، علیرضا و رقیه باقرنژاد. (۱۳۹۷). «تبیین آینده‌پژوهی در ارتقاء برنامه درسی». دومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران: شرکت بین‌المللی کوش.
- قره‌خانی، احمد و معصومه معصومیان. (۱۳۹۲). *آینده‌پژوهی دوره ابتدایی برنامه درسی*. همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش.
- فاضلی، نعمت‌اله. (۱۳۹۰). *مردم‌نگاری آموزش و چند مطالعه مردم‌نگاری در زمینه آموزش و پرورش امروز ایران*. تهران: نشر علم.
- صادق، رسول و همکاران. (۱۳۹۲). «تغییر در برنامه‌های درسی بر مبنای آینده‌پژوهی». همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش.
- کاظمی نجف‌آبادی، عفت. (۱۳۹۲). *آینده‌پژوهی و تغییر در برنامه درسی*. همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و انجمن برنامه درسی ایران. دانشگاه بیرجند.
- کشاوری، مهدی؛ حسین یارمحمدیان و محمدعلی نادری. (۱۳۹۶). «محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی در آموزش عالی ایران». *دوفصل‌نامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۱۱۹-۱۳۸.

مرادی برزل‌آبادی، رقیه و عظیم اکبر رستم‌آبادی. (۱۳۹۲). «ضرورت آینده‌پژوهی در تغییر برنامه درسی آموزش و پرورش». همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و انجمن برنامه درسی ایران. دانشگاه بیرجند.
ملکی فر، عقیل و همکاران. (۱۳۸۵). علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فرد». اندیشکده صنعت و فناوری. ویراست اول. نشر مؤسسه فرهنگی. انتشارات کرانه علم.
مظاهری، حسن. (۱۳۹۶). «آموزش و پرورش دوره متوسطه از منظر آینده‌پژوهی». مجله علم و هنر یاددهی و یادگیری. صص ۱۳۴-۱۴۱.

مؤسسه راهبرد ملی. (۱۳۹۶). فرهنگی-اجتماعی قابل دسترسی در سایت www.nationalstrategy.ir
Cooper, JH. (2005). *A training program based on the principles of social constructivism and focused on developing people for the future world*. degree mastered in the faculty of economic and business sciences at the university of prelora.
Siraj, S. (2007). *Future state curriculum planning: Prospect and Challenges*. Pangkep province, South of Sulanesi, Indonesia



Future Studies Approach and its Roles and Objectives in the New Education Curriculum

Reza Khalifeh¹, Mostafa Khalifeh²

Abstract

The purpose of this paper is to introduce the approach of future studies to the curriculum and its objectives and roles for managers and teachers and practitioners of education. Because of the future planning and planning of education in the context of different dimensions of education, as well as intelligent prediction of the issues, challenges and threats ahead, this is essential. This paper has been done by descriptive and analytical method and using previous studies by scholars. Writers have been able to find new ideas and content. The results are: Future studies is an approach that is essential in the design of new education curriculum, and the attitude of teachers, administrators, and even students in curricula and parents should be changed to future developments, and curriculum and content are formulated in such a way that students come up with creative thinking and provide predictions for future change, and resource-oriented research will work to resolve future issues and futures studies will be an integral part of school executives' programs.

Keywords: Future Studies, Curriculum, Education

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. elementary teacher, reza.khalifeh9292@gmail.com
2. Executive manager of School, Khalifeh224@yahoo.com